

با عجله راه می رفتم، گه محکم
به چیزی خوردم، آدم بود

منتظر بودم پر خاشاک کند،

لبخندی زد و رفت ...

به گمانم، انسان بود ...

خط: ابراهیم خطیبی

عجیب است که مردم چقدر برای مبارزه با

شیطان تلاش میکنند اگر همین انرژی شان را

صرف عشق و زیندن به کسوف و انحراف کنند

شیطان در تهنای خود خواهد مرد!



مسابقتام زاده

و تو

همان ترم خوش عجبگاهی
که من تو را هر روز

نفس میکشیم

بچه عباسی





محبت میرا شہ بی پایان زندگی است

میرزا محمد علی قزوینی

هر چند که از این برکت است

از خاطر غمچه با دلم تنگ است

بسکن دل بیوای مارا ای عشق

این ساز شکسته اش خوش است



گفتم:
حکرت را بخورم...
گفت بفرا...!
انگار نه انگار

مدرسه

که ماه رمضان است...!

شعری
کسی این روز اندام را بست و جوانی
وین همه لطف دارند در دگر و جوانی
تو ندانی که این روز کسی خیره نماند
کسی چو بیاورد که در او خیره مانی
آقا

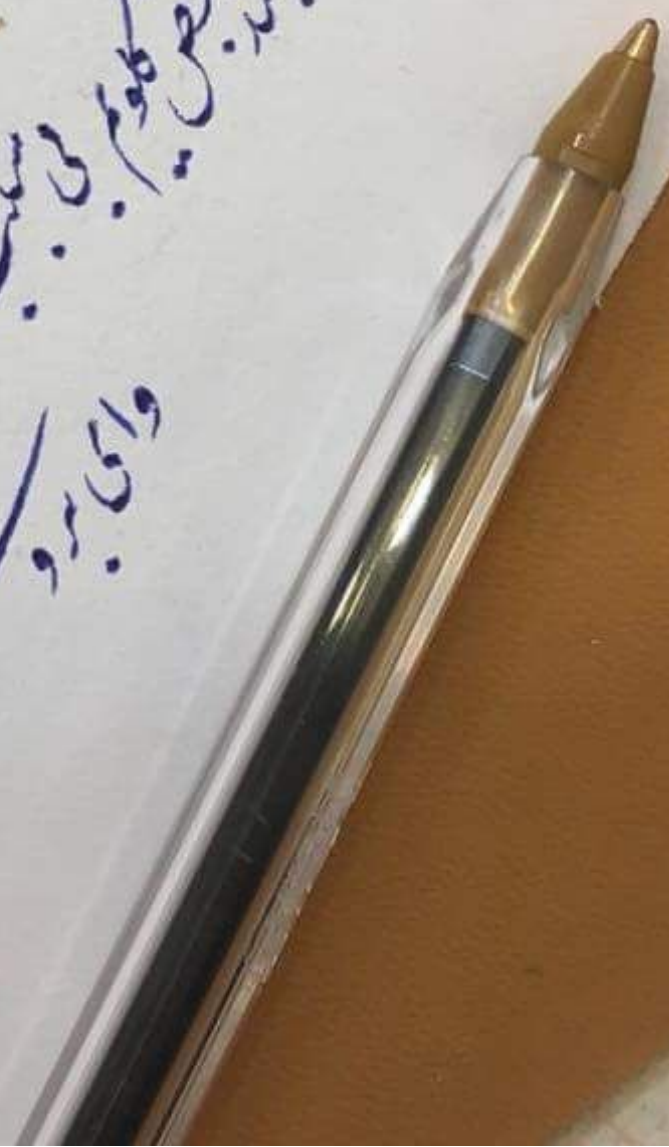
علی صغریٰ رحمہ

سب

خود پر یہ سب
میں نے بعض کلموں کی سبب

واکبر و سحر و جادو
اور کئی دوسری چیزیں

خداوند تعالیٰ



از جناب لکھنؤ وارده ماه
یک ماه مبارکست و ان مقام
خداوند
روزه و من کسوت
لال و من ابرو
خوبند

پیچ خرداد
۹۲

میکن دعا می دست جمعی

زودتر احیاست عیسه...

خدا یا دلگشایی رو بگیر،

و یک دل شاد به هم برده...

الهی آمین

عید

PREVIEW

You've reached the end of the preview.

Purchase the full book to continue reading.

Buy this book - ketabton.com

<https://ketabton.com/books/LO4wGNBLPU0>

